

اول شخص عکاس حرم و بارگاه

یادی از ابراهیم ذهبی، عکاس پیشکسوت مشهدی، هم‌زمان با سالروز درگذشتش



حمید سبحانی
عکاس و نویسنده

دهبی (سیاح) در نودویک سالگی در حالی که پانزده سال بود دست از عکاسی کشیده بود، صبح سه شنبه ۲۸ خرداد ۱۳۹۲ در مشهد درگذشت و در آرامگاه

[illegible]

سال ۱۹۳۵ میلادی
بود که اولین جایزه
بین المللی عکاسی
ایران توسط
ابراهیم ذهبی برای
عکس «سقای پیر»
در آمریکا کسب
شد.



ابراهیم ذهبی در دهه ۳۰ و ۴۰ عکس های بسیاری را از مناطق و مناظر شهری و بافت اجتماعی مشهد گرفت که امروز برگ های بسیار مهمی از هویت مشهد محسوب می شوند.

قصہ شہر

با کاپیتان نمو، فردوسی و سیاوش در کیلومتر ۷۰ جاده کلات



شاعر و روزنامه نگار
سلمان نظامت یزدی

داشت. کمی که دنبالش کردیم، دره بسته می شد. برود خانه از غاری کوچک بیرون می زد که خرزها به یکایکی شبیه روند جوشی را گرفته بودند. من و یارم جرئت نکردیم که برویم داخل، به کنار را آب میمان و خودمان را برساندیم به بقیه که دهها فلیات میفرستاد. جوش آورده معطل آب بودند. ماشین که اه افتاد. آنجا را نشانه گذاشتیم. باید روزی دوباره می گشتیم. سخرای را در دشمنان ذخیره کردیم. هفته بعد دوباره برگشتیم سراغ رودخانه و آن غار همی میروم. از آنجا بود که در کوه فرهای شکل گرفته بود. اندازه غار کوچک و کوچک که آن را ابی زلال فرش کرده بود.

داشت، کمی که دنبالش کردیم، دره بسته می شد. برود خانه از غاری کوچک بیرون می زد که خرزا یا گیاهی شبیه روند جلوش را گرفته بودند. من و یکمان جرئت نکردیم که برویم داخل، کناره ها را آب می زدیم و خودمان را در انداختیم به بقیه که دره فیات همروزیگ جوش آورده معطل ای بودند. ماشین که اه افتاد، آنجا را نشانه گذاشتیم، باید روزی دوباره می گشتیم. سفرهای را در ذهنمان ذخیره کردیم هفته بعد دوباره برگشتیم سراغ رودخانه و آن غار مرموز. در دل کوه حفروای شکل گرفته اندازه اتاقی کوچک و کف آن را آبی زلال فرش کرده بود.

د و من را نجات بی دهد و دری تازه را باز
حضری از کاپیتان نمو و ناتیلوس نشند. اما
از اقامتگاه اختصاصی و اما یک‌هایی که
تیرگی شکارشان کرده بودند. دامن من را
نقطه می خواستم با تفنگ بادی قوطی
نشانه بگیرم. اما قبلش مأمور شدم تا
شن کنم. کمی نزین ریختم توی قوطی
چوباب را و چندم روی آتشی که خاموش
میران را ریختم تا بعدش کیرت بی خطر
رویش. همان لحظه باد آمد و آتش زیر
شعله‌ور شد. قوطی نزین آتش گرفت و
دم و نزین روی پیراهن نیمه استین فرمز
ریخت. درم که در عسک شناسنامه‌ام هم آن
پیراهن بیشتر ترسیدم. دیدم تا خودم را
خانه خاموش کنم. همان چند قدم زمین
یک نفر از همراهان دوید و لباس را پاره
پوشید شدم. اما سوخته بودم.
برایم تمام شده بود. دره اسرارآمیز من
نداشت. من قربانی دره شدم یا نفرین
شدم؟

در باب تفکر

اما تفکر در حق تعالی دستوری نیست که آدمی قدر او بتواند شناخت که «ما قدر او... حق قدر او». جز دهشت و سرگردانی هیچ حاصل نیاید.

عبادتِ مروتی

تفکر دو نوع است: تفکری است در خلق و تفکری در حق تعالی. تفکر در مخلوقات به مصنوعات و مقدرات واجب است که انقیاد و تواضع و اعلام افزایش.

مناجات و
حکایات

عبادی مروتی

معجزه درهای باز

رنه مارگریت نام یک نقاشی اش را گذاشته است «پیروزی». باز شدن در رو به آسمان و دریا و افق. نه اینکه از کناره ها نمی توان این منظره را تماشا کرد، اما تماشای جهان از درهای باز حکم دیگری دارد. برای دل مرده ها و افسون زده ها حتی این وسعت نیلگون و این آسمان آبی هم تکان دهنده نیست، اما نمی دانم چرا همین که این وسط دری باز می شود، همه چیز تغییر می کند. دری باز می شود و نشانه ها چشمست را از امیدواری پر می کنند و قدم هایت را محکم تر. طور دیگری هم می شود نگاه کرد. پشت هر در بازی کسی منتظر توست و تو را به داخل دعوت می کند. یک نفر منتظر است که وارد جهانش شوی و این به نظرم همه آن چیزی است که مارگریت می خواسته است ما حسش کنیم. نمی دانم آن عکس عباس عطار از عباس کیارستمی را دیده اید یا نه. کیارستمی سیاه پوش و چموش خم شده است و دارد از تنها چهارچوب در آهنی زنگ زده ای در ناکجا آبادی که هیچ خانه ای به آن دوخته نشده و در واقع خراب شده است و اثری از آن ها نیست، به بیرون نگاه می کند. با کنجکاوای هم دارد از لای در آن طرفش را نگاه می کند، به این امید که چیز دیگری را ببیند. به این امید که یک نفر را پیدا کند، نشانه ای را، ردی را. معجزه درهای باز همین است، حتی اگر وسط بیابان برهوتی باشند یا روی نوک قله کوهی بلند یا حتی مثل همین نقاشی رو به افق. درها انگار مسیر واقعی را نشان آدم می دهند، مطمئنان می کنند، آرامان می کنند. درهای باز پیروزی است و این درست ترین نامی بود که این نقاش بزرگ روی این اثرش گذاشته است.

فانم فنی
نویسنده



نویسنده
قاسم فتحی

پیشگفتار



روزنامه نگار
غلامرضا بنی اسدی

تو دارم، رفت و آمدت به جز از در بزرگ
شد، وقتی سوار مرکب می شوی، درهم
بهر ماتحتی احدی به تو عرض حاجت
برنمایند که به وعطای تو، انگاری می شنوید
که کوهی از ببر که دستهای خشکیده
و نگاه های منتظر پر شمار است. این
به امام رضا^ع به امام جواد^ع نیست، بلکه
امروز همه مانیز هست. دارندگی زمانی
می آورد که به راه دهنده عادت کنی
بستهای باقی بسته و راه بسته و دانه های
همه دنیا را هم داشته باشی. باز فقیرند
حقیر، چون حقیر کسی نیست که به
تش خالی است، بلکه دنیاداری است
با زکرم دست خود را نداشته باشد. او
است و همه حقیر. خوار این دنیایی است
پایانی اموالی است که به ماترک تبدیل
شد و برای وارثان خواهد ماند. در آخرت
شاهنشاهی را خدا به عدالت تعیین خواهد کرد
و او الموم حق معلوم لسان و المحروم^ع
رده است.

تو دارم، رفت و آمدت به جز از در بزرگ
شد، وقتی سوار مرکب می شوی، درهم
بهر ماتحتی احدی به تو عرض حاجت
برنمایند که به وعطای تو، انگاری می شنوید
که کوهی از ببر که دستهای خشکیده
و نگاه های منتظر پر شمار است. این
به امام رضا^ع به امام جواد^ع نیست، بلکه
امروز همه مانیز هست. دارندگی زمانی
می آورد که به راه دهنده عادت کنی
بسی های باقی بسته و راه بسته شدن دلی
همه دنیا را هم داشته باشند. باز فقیرند
حقیر، چون حقیر کسی نیست که به
تش خالی است، بلکه دنیاداری است
با زکرم شدن خود را نداشته باشد. او
است و همه حقیر خوار این دنیایی است
پایانی اموالی است که به ماترک تبدیل
شد و برای وارثان خواهد ماند. در آخرت
شاهنشاهی را خدا به عدالت تعیین خواهد کرد
و او الموم حق معلوم لسان و المحروم^ع
رده است.

روزنامه فرهنگی - اجتماعی - اطلاع رسانی

صاحب امتیاز:
شهرداری مشهد
مدیر مسئول:
سید میثم موسوی مهر

سر دبیر:
سید مجاد طوع هاشمی

نشانی: میدان شهدا
پستخانی: دانشگاه ا
دفتر مرکزی:
۳۷۲۸۸۸۱۱ - ۵

نمبر: ۳۷۲۸۸۱۱
روابط عمومی: ۳۷۲۸۸۱۱
شماره پیامک: ۳۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

SHAHRARANEWS.IR

سال چهارم
۲۹ خرداد ۱۴۰۲
۲۹م آبان ۱۳۹۹
شماره ۳۹۶۷

آشنیه

Mashhadchehre.ir

Photosahr.ir

مبتلاقی نامه اخلاق حرفه ای



تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸
پست الکترونیک: info@photoshahr.ir
وبسایت: photoshahr.ir

سرديي: Mashtadchobchobhi.com

۲شنبه

● روزنامه فرهنگی-اجتماعی-اطلاع رسانی
● صاحب امتیاز:



پیشگیری از انتقال جنسی
و پیشگیری از بارداری
و پیشگیری از عفونت
و پیشگیری از زخم
و پیشگیری از سرطان
و پیشگیری از بیماری
و پیشگیری از...

IPV
پیشگیری از انتقال جنسی
و پیشگیری از بارداری
و پیشگیری از عفونت
و پیشگیری از زخم
و پیشگیری از سرطان
و پیشگیری از بیماری
و پیشگیری از...

پیشگیری از انتقال جنسی

پیشگیری از انتقال جنسی (IPV) یک روش موثر برای پیشگیری از انتقال جنسی (STI) و بارداری ناخواسته است. این روش شامل استفاده از کاندوم و سایر ابزارهای پیشگیری است.

پیشگیری از بارداری

پیشگیری از بارداری (CPV) یک روش موثر برای پیشگیری از بارداری ناخواسته است. این روش شامل استفاده از کاندوم و سایر ابزارهای پیشگیری است.

پیشگیری از عفونت

پیشگیری از عفونت (IPV) یک روش موثر برای پیشگیری از عفونت است. این روش شامل استفاده از کاندوم و سایر ابزارهای پیشگیری است.

پیشگیری از زخم

پیشگیری از زخم (IPV) یک روش موثر برای پیشگیری از زخم است. این روش شامل استفاده از کاندوم و سایر ابزارهای پیشگیری است.

پیشگیری از سرطان

پیشگیری از سرطان (IPV) یک روش موثر برای پیشگیری از سرطان است. این روش شامل استفاده از کاندوم و سایر ابزارهای پیشگیری است.

پیشگیری از بیماری

پیشگیری از بیماری (IPV) یک روش موثر برای پیشگیری از بیماری است. این روش شامل استفاده از کاندوم و سایر ابزارهای پیشگیری است.

پیشگیری از...

پیشگیری از... (IPV) یک روش موثر برای پیشگیری از... است. این روش شامل استفاده از کاندوم و سایر ابزارهای پیشگیری است.

حدیث
گرافی



طرح: جلال حاجی زاده

کوچہ

باب الجواد^(ع)، دروازه جواب

شدگی است. است. کسانی است ایشان تعریف شام با دانند که بشمارد باشند. مهم فمّن اوتی مّون کتابه ولا ما هر گروهی از بیگانه حقیقت نگاه عیش را نه نامه خود را قرائت نه آن ها نخواهد شد. » که در قیامت کسانی که تر خواهند شد در گذشته باشند. یعنی جواد(ع) را باب الجواب در زندگی به او افتدا در بخشدگی را، کرامت نینخشند. جواد(ع) دارد، حق ندارد دست و پا بزند. حق هسته باشد که از عریده حق ندارد... باید بر خود بری از این نزاع های بی پایه گیرد. ما انسانیم، هست به نام جوادالاعمه(ع) می بری عالی معنایی مجسم می الگو نیستیم که دیگران روایت دهد دیوار نیست جوادالاعمه(ع) فتار

کنیم. او اهل سخاوت بود. برخی ها دست گشاده اش را تاب نمی آوردند و از دیگر می خواستند عبورش دهند. اما امام رضا(ع) به این مهم تأکید کرده بودند که: «ما من خیر رسیدن است که غلامان و خانه من بیت هرگاه سوار بر مرکب می شوی تا از خانه بیرون بروی. تو را از کوچک خانه بیرون می برند. این عمل ریشه ریحل آنان دارد تا از جانب تو به احدی خیر نرسد. از تو می خواهیم به حقی که به عنوان پدر و امام بر تو دارم، رفت و آمدت به جز از در بزرگ خانه نباشد. وقتی سوار مرکب می شوی، درهم و دینار همراهت باشد، احدی به تو عرض حاجت نکند به جز اینکه به او عطا کنی.» انگار می فرماید در پیاپی که کوچگی ابیر که دست های خشکیده فراوان و نگاه های منتظر پر شمار است. این فقط نامه امام رضا(ع) به امام جواد(ع) نیست، بلکه سرمشقی امروز همه ما نیز هست. دراندگی زمانی برای زندگی می آورد که به داد و دهشت عادت کنی و گرنه دست های بسته و روهای بسته و دل های بسته اگر همه دنیا را هم داشته باشند، باز فقیرند و حتی خفیز. چون خفیز کسی نیست که به حق دستش خالی است، بلکه خفیز داری است که توان باز کردن دست خود را نداشته باشی. او هم فقیر است و هم خفیز. شان این دنبایی اش نیست. نگاهبانی اموالی است که به ماترک تبدیل خواهد شد و برای وارثان خواهد ماند. در آخرت هم جایگاهش را خدای تعالی تعیین خواهد کرد که به فی الماوهل حق معلوم لسائل و المحرم توجه کرده است.

غلام نگار روزنامه نگار آسی

امام جواد^(ع) نماد بخشنده‌گی است، نماد کرامت تمام‌ساختی است. کسانی می‌توانند خود را با حضرت ایشین تعریف کنند و در شمار پیروان ایشان باشند که در زندگی به بخشنده‌گی مأمور باشند. «یوم ندعو کل اناس با ما مهم فمن اوتی کتابه ییمینه فالوئک یقرءون کتابهم ولا یظلمون فقیل؛ و روزی که ما هر گروهی از مردم را با پیشوایشان (به‌پیشگاه حقیقت) می‌خوانیم، پس هر کس نامه‌ها را معطیلسر به دست راست دهند، آن‌ها نامه خود را کنند و کمترین ستمی به آن‌ها نخواهد کرد بر این حقیقت تأکید دارد که در قیامت که با امام خودشان خود خواهند شد زندگی، با جای پای آن‌ها گذشته باشد ما زمانی می‌توانیم امام جواد^(ع) را باب دعاها ی خود بدانیم که در زندگی به او کرده باشیم. بنابراین، باید بخشنده‌گی را، در او دوش را تمرین کنیم. جامعه‌ای که امامی خود جواد^(ع) دارد، حق در بیماری کین حقد و حسد دست‌و پا یزند ندارد خیابان‌هایی داشته باشد که از تندخوایی آکنده باشد. حق ندارد... باید بلرزیم از افروزی آمار درگیری‌ها، از ناز خیابانی که حالت تنازع بقای می‌گیرد. ما اهل معرفتیم، ما امامی است به نام جواد^(ع) که بخشنده‌گی را در ترازوی عالی معنایی و سرمشق به موقوف است. ما بی‌الگو نیستیم روز به درد بدین روز دیگر روز پشت بمانیم. باید به سنت حسنه جواد^(ع) ایستاد.